

سبحان ابراهیم زنجانی

زندان، زندگی، خاطرات

به ضمیمهٔ بحثی

در «ولایت تکوینی» پیامبر و ائمهٔ معصومین (ع)

علی ابوالحسنی (مشرقی)

سازمان انتشارات و نشر و روزنامه‌نگاری

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	بخش اول: در تکاپوی دانش
۱۵	از تولد تا تحصیل و ازدواج
۱۵	تولد، خاندان، و تحصیل و تدریس در زنجان
۱۶	ازدواج نخستین
۱۷	تحصیل در نجف، و گرایش به رُهبانیت
۱۹	هشدار به طلبه جوان!
۲۲	بازگشت به زنجان
۲۷	بخش دوم: دوستان جدید، و آغاز استحاله
۲۹	دوستی با حاجی میر بهاء، و ازدواج دوم
۲۹	حاجی میر بهاء، ثروتمند نیکوکار و خوشنام زنجان
۳۳	مرگ همسر و ازدواج دوم
۳۵	ازادت (مُفرط) به شاهان قاجار
۳۸	افراط و تفریط «نکته کلیدی» در روان‌کاوی و رفتارشناسی زنجانی
۴۵	آشنایی با جراید و رُمانهای خارجی
۴۷	دوستی با وزیر همایون و تشدید استحاله
۴۷	کارنامه وزیر همایون؛ یک بررسی انتقادی
۵۳	وزیر همایون، محبوب زنجانی
۵۴	نقد اظهارات زنجانی درباره وزیر همایون
۶۳	تأسیس مدرسه و اداره آن
۶۵	بخش سوم: زنجانی در مشروطه اول
۶۷	نمایندگی زنجانی در مجلس اول، و سنجش چند ادعا
۶۷	سنجش عبار صحیح چند ادعا
۶۷	الف) آیا مردم زنجان، همگی به وکالت زنجانی رأی دادند؟
۷۰	ب) آیا آخوند خراسانی، تنها به شیخ ابراهیم اعتماد داشت؟!.
۷۵	بازکاوی یک تحریف تاریخی
۷۹	دوستی با تقی زاده، ستیز با حجة الاسلام ملا قربانعلی زنجانی
۸۷	عضویت در انجمنهای ماسونی
۸۹	عضویت در «لژی بیداری ایران»
۹۳	عضویت در «جامع آدمیت»
۹۹	در مکتب اردشیر جی

۱۱۰	رفع یک شبهه تاریخی
۱۱۴	تندروی جناح سکولار، و آثار زیانبار آن بر مشروطیت
۱۲۶	تأثیر گفته‌های اردشیر جی در زنجانی
۱۲۹	کنج عافیت در یوم التوب!
۱۳۱۵	بخش چهارم: زنجانی در مشروطه دوم
۱۳۳	دادستان محکمه شیخ فضل الله نوری!
۱۴۵	عضویت در حزب دمکرات ایران
۱۴۷	حزب دمکرات ایران؛ کارنامه‌ای پرشور اما سرشار از خطا
۱۴۷	مرامنامه حزب: گرایش به غرب، جدایی از اسلام
۱۴۷	گرایش به غرب (سوسیالیسم و مارکسیسم)
۱۵۱	بریدگی از تاریخ و فرهنگ اسلامی ایران
۱۵۳	چالش با اسلام و روحانیت
۱۵۷	سیاست حزب دمکرات؛ کاستیها و کژیها
۱۵۷	نهان روشی در مقاصد و عملیات حزبی
۱۵۹	تزویر در تبلیغات و شعارها
۱۵۹	بحران سازی از راه تخریب بنیادها و ترور
۱۶۲	روابط حزب با انگلیس
۱۶۵	زنجانی و عدلیه مشروطه
۱۷۸	دفاع از تقی زاده، به بهای بدگویی از آخوند خراسانی!
۱۸۲	فروغی، محبوب زنجانی را بشناسیم
۱۸۵	نماینده مجلس دوم؛ انتخاب شگفت!
۱۸۸	نماینده مجلس، پاداش خشونت؟
۱۹۱	زنجانی، در کشاکش میان مشروطه خواهان
۱۹۳	اولتیماتوم ۱۹۱۱ روسیه به ایران؛ تاوان سنگین اشتباهات!
۱۹۶	سیاست یکطرفی و عدم درک اوضاع جهانی، عامل ایجاد بحران
۱۹۸	مروری بر کارنامه شوستر و پشتیبانان دمکرات وی
۲۰۴	تاوان اشتباهات را ملت ایران پرداخت!
۲۰۵	احساسات تند و تیز، منافی با صلاح مملکت است!
۲۰۷	رساله شهریار هوشمند، و اندیشه «دیکتاتوری مصلح»!
۲۰۸	شخصیتهای اصلی در رمان گونه «شهریار هوشمند»
۲۰۹	سرج، نماد پوپولیسم جدید
۲۱۰	مناسک ماسونی در «جمعیت آزادی خواه»
۲۱۱	سرج و ترور «مهره‌های درشت»
۲۱۲	تکوین اندیشه دیکتاتوری مصلح
۲۱۵	نماینده مجلس سوم، و غوغای جنگ جهانیگیر
۲۱۵	جنگ جهانی اول
.....	یک سؤال

۲۲۰ نااستواری در برابر امواج (نکته «کلیدی» دیگر در روانکاوی و رفتارسنجی زنجانی).
۲۲۵ ریاست اداره اوقاف، چالشها و اعتراضها.
۲۲۵ عدلیه، زنجانی را محکوم می‌کند.
۲۳۱ چالش علما با بدعت زنجانی در ریاست اوقاف.
۲۳۳□ بخش پنجم: زنجانی، از کودتای سوم اسفند تا عصر پهلوی
۲۴۵ نمایندگی مجلس چهارم، و چالش با مدرس.
۲۴۶ اتهامات زنجانی به مدرس، و نقد آن.
۲۵۵ چرا زنجانی با مدرس دشمن بود؟!.
۲۶۱ همراهی با سوسیالیستها در حمایت از رضاخان.
۲۶۵ نقش سوسیالیستها در به قدرت رسیدن رضاخان.
۲۷۲ سابقه همکاری سران حزب سوسیالیست با رژیم کودتا.
۲۸۳ بازی رضاخان با سوسیالیستها.
۲۸۶ باخت سیاسی سوسیالیستها.
۲۸۸ نامه کرنش آمیز زنجانی به رضاخان.
۲۹۱□ بخش ششم: دیووف ریویری
۲۹۳ ترجمه آثار اروپایی در اواخر عمر.
۲۹۳ دوری فزاینده از منطق و مبانی تشیع.
۳۰۷ پاییز ۱۳۱۳، پایان دفتر!.
۳۰۷ و اذا الموءودة سُئِلت، بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلت!
۳۰۹□ بخش هفتم: زنجانی، در دادگاه تاریخ
۳۱۱ زنجانی، از دیدگاه امام خمینی.
۳۱۳ زنجانی، به روایت شاهدان عینی:.
۳۱۴ برخوردار از دانش، بی بهره از عمل!
۳۱۵ شما مگر نشستنی هستید که آدم با شما بنشیند؟!.
۳۲۰ تعریض به ساحت پاک پیامبر (ص).
۳۲۱ بی قیدی نسبت به حجاب بانوان.
۳۲۲ در روضه منزل سلطان العلماء چه گذشت؟.
۳۲۳ این تُنبک تو از روضه سید محمد بهتر است!
۳۲۴ برای دخترم هنوز نتوانسته‌ام یک پیانو بخرم!
۳۲۵ حامیان پیشین، مخالف می‌شوند!
۳۲۶ از آن کاغذها بوی الحاد می‌آمد!.
۳۲۶ بیکارید هی می‌روید ضریح ائمه را می‌بوسید؟!.
۳۲۷ نظر علما نسبت به شیخ ابراهیم، عموماً منفی بود!.
۳۳۵□ بخش هشتم: بررسی و نقد خاطرات منتشر شده زنجانی
۳۳۷ خاطرات زنجانی؛ نکات مثبت و منفی.
۳۳۸ نکات مثبت خاطرات.
۳۳۹ نکات منفی خاطرات.

۳۴۱ نگارش خاطرات در دوران پیری؛ آفتها و آسیبها
۳۴۴ خلط و تحریف رویدادهای تاریخی
۳۵۲ افراط و تفریط در گزارش و داوری نسبت به خود و دیگران
۳۵۲ ۱. خودستایی و غیرنکوهی
۳۵۲ خودشیفتگی و خودستایی
۳۵۴ توهین به ملت مسلمان ایران
۳۵۶ ۲. تصاویر واهی و اغراق آمیز از افراد و محیط پیرامون
۳۵۹ ۳. تناقض در اظهارات
۳۶۱ ۴. توطئه پنداری افراطی در تحلیل مسائل و جریانات
۳۶۷ هتاکی و اتهام به روحانیت شیعه
۳۶۸ تهمت به مرجعیت شیعه
۳۷۲ علما اسلام را تحریف کرده‌اند!
۳۷۵ هتاکی و اتهام به علمای زنجان
۳۹۴ داوری نامنصفانه درباره محاکم شرع
۴۰۷ سیاه نمایی‌ها رنگ می‌بازد!
۴۱۱ عذر بدتر از گناه!
۴۱۷ آیا اسلام، روحانی ندارد؟!.....
۴۲۶ گرایش به وهابیت و تشکیک در: مقامات والای پیامبر و ائمه (ع) در هستی
۴۳۱ یورش به باورها و سنتهای ملی - اسلامی - شیعی؛ شگرد دوگانه
۴۳۵ شوونیسیم و عرب ستیزی (ترسیم چهره موهن از ورود اسلام به ایران)
۴۴۱ یکی بر سر شاخ، بُن می‌برید!.....

ضمیمه شماره یک:

۴۴۳ یعنی در مقامات والای پیامبر و ائمه (ع) در هستی
۴۴۵ پیامبر و ائمه (ع)؛ علت غائی خلقت جهان
۴۴۶ پیامبر و ائمه (ع)؛ وسائط فیض الهی در تکوین
۴۴۷ مدبران امور در هستی
۴۴۹ ملاک شرک و توحید در قرآن
۴۵۱ قرآن از کارگزاری اولیای الهی در تکوین سخن می‌گوید
۴۵۳ پیامبر و ائمه (ع)؛ کارگزاران الهی در تکوین
۴۶۶ شواهد و دلایل «ولایت تکوینی» پیامبر و ائمه (ع)
۴۷۸ قیاس ائمه (ع) با بتها روا نیست!
۴۸۰ زنجانی، و اعتراف به ولایت معصومین (ع) در تکوین
۴۸۳ مجموعه‌ها و اسناد مخطوط
۴۸۴ جراید و نشریات ادواری
۴۸۵ کتب و مقالات

پیشگفتار

شیخ ابراهیم زنجانی، از زمره دانش آموختگان حوزه دینی نجف، و واعظان زنجان در عصر قاجار است که در برهه‌هایی از تاریخ مشروطیت نیز نقشی بارز ایفا کرده است. انتظاری که طبعاً از چنین کسی (با پیشینه تحصیل در نجف اشرف و پوشیدن لباس روحانیت در سراسر عمر) می‌رود، «همسویی و همدلی پایداری» با عالمان دین در پاسداری از احکام شرع، و «مخالفت» با عناصر دین‌گریز و بویژه دین ستیز در عرصه سیاست و اجتماع است. پرونده زندگی شیخ ابراهیم - در بخش نخستین آن: دوران تحصیل در نجف، و وعظ و تدریس در سالهای نخست بازگشت به زنجان - در کل، نشان از این همسویی و همدلی دارد. در ادامه زندگی وی، اما، ورق کاملاً برمی‌گردد و زنجانی (به لحاظ منش و روش) کلاً وضعیت دیگری می‌یابد.

در این دوران، وی در صف عناصری چون تقی‌زاده، اردشیر جی و حسینقلی خان نواب قرار می‌گیرد که تاریخ معاصر کشورمان، آنان را افرادی غربگرا و حتی مخالف اسلام و مظنون به وابستگی به بیگانه (انگلیس) می‌شناسد؛ عناصری که حتی بر رهبران دینی مشروطه همچون آخوند خراسانی و سید عبدالله بهبهانی نیز ابقا نکرده و با رفتار خود، نگرانی و معارضة شدید آنان را علیه خویش برانگیختند. زنجانی، حتی از این مرحله نیز فراتر می‌رود و دست در دست کسانی چون یپریم خان (سکولار ارمنی تبار) زمینه اعدام بزرگترین روحانی پایتخت (شیخ فضل‌الله نوری) را فراهم می‌سازد! پژوهنده کارنامه زنجانی، در میانه راه، ناگهان خود را با یک «تغییر جهت» و «استحاله» عجیب فکری و عملی در زندگی وی روبرو می‌بیند و این سؤال به طور جدی در ذهنش نقش می‌بندد که:

- چرا و به چه دلیل، دانش آموخته نجف و خطیب دینی شهر، در فرجام، سر از لژهای ماسونی

در آورده و کارش به هماوایی با سرسخت‌ترین مخالفان دین و روحانیت کشیده است؟!!

پاسخ این سؤال، در مروری ژرف بر روند زندگی زنجانی، و کالبدشکافی عمیق شخصیت، اندیشه و عملکرد او، نهفته است. پاسخ دقیق و کامل به سؤال مزبور، تنها بازگشای یک معضل تاریخی نخواهد بود؛ بلکه فواید مهمی نیز برای نسل حاضر دربر دارد، که مهمترین آنها پیشگیری از تکرار نمونه‌های مشابه آن در زمانه «بیمار و آفت بار» ما است.

عصر ما - مع الاسف - به دلیل «سیطره مادیت» و افزونی زمینه‌ها و عوامل «انحراف و تباهی»، عصر «بحران هویت» و «استحاله شخصیتها» است و در چنین زمانه‌ای بعید نیست که از این پس،

نمونه‌هایی از سنخ «ابراهیم زنجانی» را، که بر گذشته خود و ملت خویش می‌شورند، داشته باشیم. کتاب حاضر می‌کوشد با بررسی کارنامه زنجانی، و غور در زوایای پنهان و آشکار شخصیت و عملکرد وی، مایه‌های لازم برای دستیابی پاسخ به سؤال اساسی فوق را فراهم سازد.

در باره ابراهیم زنجانی، تا کنون کتاب جامعی که زندگی وی را از آغاز تا فرجام بررسی کرده و ابعاد مختلف اندیشه و عمل او را «به گونه‌ای جامع و همه‌جانبه» تبیین کند به زیور طبع نرسیده است. با پژوهش در منابع گوناگون (از کتب تاریخ و تراجم و نیز برخی دائرةالمعارف‌ها گرفته تا صفحات جراید و نطق‌های مجلس شورا و...) ^(۱) می‌توان به اطلاعات سودمندی در باره او دست یافت که برای تدوین زندگی‌نامه وی و رفع برخی از نقاط ابهام آن، مغتنم است. افزون بر این، رساله‌ها، یادداشت‌ها و خاطرات نسبتاً مفصلی از زنجانی برجای مانده که مطالعه آنها بر دامنه و عمق اطلاعات ما در باره وی افزوده و می‌توان از مجموع آنها، پرونده کاملی از گرایش‌ها و مواضع فکری و سیاسی او در طول عمر فراهم آورد و به دیده «حکمت و عبرت» در آن نظر کرد.

سیر تاریخ مشروطه را، خصوصاً در نیمه دوم آن (از فتح تهران توسط اردوی مشروطه به بعد) عمدتاً جناحی رقم زده که ابراهیم زنجانی از اعضای شاخص آن بوده است، و بر این اساس، بررسی زندگی او و همفکرانش، همان قدر حائز اهمیت و حاوی عبرت است که بررسی تاریخ مشروطیت. راقم این سطور، بر پایه نیاز یادشده، از سالها پیش، به عنوان بخشی از کار بزرگ «بازنگری و بازنگاری تاریخ مشروطه»، تحقیق و پژوهش در باره شیخ ابراهیم را در دستور کار خود قرار داده بود. چاپ و انتشار خاطرات شیخ ابراهیم در سال ۷۹^(۲)، که شرح حالی «رتوش شده» از او را در فاصله تولد تا مشروطه ارائه می‌کند، تصمیم وی به تکمیل و انتشار آن پژوهش کهن را قوت بخشید و نهایتاً در زمستان ۸۱ مقاله‌ای نسبتاً مبسوط در این باره با عنوان «شیخ ابراهیم زنجانی؛ زمان، زندگی، اندیشه» جهت درج به فصلنامه تاریخ معاصر ایران سپرد، که در شماره ۲۵ آن فصلنامه (بهار ۸۲) به چاپ رسید و کتاب حاضر، به واقع، تفصیل و تکمیل گسترده همان مقاله است.

۱. همچون: مکارم الآثار، میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی، ۲۰۴۲-۲۰۴۳؛ شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، ۱۵/۱؛ الفهرست لمشاهیر علماء زنجان، شیخ موسی زنجانی، ص ۹۵؛ تاریخ زنجان - علما و دانشمندان، سید ابراهیم موسوی زنجانی، ص ۴۴؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران... حسن مرسولوند، ۳۶۲/۳-۳۶۳؛ دائرةالمعارف الاسلامیه ایران، عبدالعزیز جواهرکلام، ۱۰۲/۲؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، خانابا مشار، ۵۹/۱؛ مجله یغما، سال ۵، ش ۳، ص ۱۳۳؛ زندگینامه دادستان انقلاب مشروطیت، مندرج در: مجله خاطرات وحید، پاییز ۱۳۵۸، صص ۵۴-۶۰ و زمستان ۱۳۵۸، صص ۱۰۱-۱۰۸؛ خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران، ابوالفضل شکوری، صص ۴۱۳-۴۱۷؛ و صورت جلسه مذاکرات مجلس شورای ادوار تقنینیه اول تا چهارم.
۲. خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، انتشارات کویر، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۹ شمسی، چاپ دوم (با افزودن مقدمه‌ای ۱۶ صفحه‌ای): ۱۳۸۰.

آقای عبدالله شهبازی، پژوهشگر سخت کوش تاریخ معاصر، نیز که مجموعه کامل خاطرات منتشر نشده و نیز دهها رساله انتشار نیافته از زنجانی (شامل بیش از ۵ هزار صفحه دستنویس) را در اختیار دارند، گزیده‌ای از تحقیقات خود در این زمینه را با عنوان «زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی؛ جستاری از تاریخ تجددگرایی ایرانی» در خرداد - شهریور سال ۸۲ منتشر کردند^(۱) و با این کار، به پر کردن خلأ موجود در باره زندگی و افکار زنجانی کمکی شایان رساندند، که ما نیز - در کنار سایر مآخذ - در جای جای کتاب حاضر (با ذکر مأخذ) از نوشته ایشان بهره جسته‌ایم.^(۲)

ابراهیم زنجانی، در صدر مشروطیت، بیشترین چالش را در عرصه سیاسی و فرهنگی، با دو شخصیت دینی بزرگ و تاریخ ساز عصر خویش در تهران و زنجان داشته است: حاج شیخ فضل الله نوری و آخوند ملاقربانعلی زنجانی. وی، البته، نه در زنجان و نه در تهران، به هیچ روی در حد و اندازه این دو تن نبود^(۳)، ولی مهره فعال و مؤثر از گروهی به شمار می‌رفت که این دو فقیه شجاع و پرنفوذ را - به مثابه دشمنان اصلی خویش - آماج حمله قرار داده بودند و تا اولی (شیخ نوری) را در پایتخت بر سر دار، و دومی (ملاقربانعلی) را به تبعید مرگبار کاظمین نفرستادند، از پای نشستند.

بر این پایه، شناخت اندیشه و عملکرد ابراهیم زنجانی، بدون آشنایی با منش و روش آن دو فقیه نام آشنا و دوران ساز، کامل نخواهد بود و پژوهشگر زندگی شیخ ابراهیم، به مصداق **تَعْرِفِ الْأَشْيَاءَ بِأَضَادِهَا** (هر چیز، در قیاس با ضد خود شناخته می‌شود)، باید به طور همزمان، احوال و آثار آن دو را نیز مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

راقم سطور، بخشی از تحقیقات گسترده سالیان خویش در باره حوادث و رجال عصر مشروطیت را به آن دو شخصیت اختصاص داده و کتب زیر برخی از آثاری است که تاکنون در این زمینه روانه بازار نشر ساخته است:

الف) در باره حاج شیخ فضل الله نوری

- * آخرین آواز قو؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری بر اساس «آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه، عبرت، تهران ۱۳۸۰.
- * اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل الله نوری، عبرت، تهران ۸۰.
- * دیده بان، بیدار!؛ دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله، عبرت، تهران ۸۰.

۱. رک، پایگاه اینترنتی آقای شهبازی (با مشخصات: WWW.shahbazi.org) مورخ ۱۹ خرداد ۸۲؛ جام جم، شماره‌های ۸۹۰ و ۸۹۶، ۲۹ خرداد و ۵ تیر ۸۲، صفحه تاریخ؛ زمانه، سال ۲، شماره‌های ۱۰-۱۲، تیر - شهریور ۸۲.

۲. ضمناً در انتقال مطالب از اینترنت به مجله زمانه، پاره‌ای اغلاط مطبعی وارد متن شده بود، که در تطبیق با متن موجود در اینترنت، اصلاح کرده‌ایم.

۳. استاد محیط طباطبایی، ابراهیم زنجانی را «از علمای درجه سوم و دوم زنجان» می‌شمارد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۸۹۲، ۳ دی ۱۳۵۴، ص ۱۹).

* کارنامه شیخ فضل الله نوری؛ پرسشها و پاسخها، عبرت، تهران ۸۰.

* خانه، بر دامنه آتشفشان!؛ شهادتنامه شیخ فضل الله نوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر

ایران، تهران ۸۲.

ب) درباره آخوند ملا قربانعلی

* سلطنت علم و دولت فقر؛ سیری در زندگانی، افکار و مجاهدات حجة الاسلام ملا قربانعلی

زنجانی... ج اول: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۷۴.

طبعاً مطالعه و پژوهش خوانندگان نکته سنج این دفتر در باره ابراهیم زنجانی، و آشنایی وی با فضا و محیط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روزگار وی، زمانی کامل خواهد بود که آثار فوق را نیز در مورد جناح مخالف ابراهیم زنجانی به دقت مورد کاوش و بررسی قرار دهد.

هدف از این پژوهش گسترده (چنانکه سالها پیش، در ابتدای کتاب «سلطنت علم...» نیز تأکید کرده‌ایم) صرفاً کشف و تبیین حقایق تاریخی جهت دستیابی به عبرتها و تجارب گرانبهای گذشته، و بهره‌گیری از آنها برای بهبود وضعیت حال و آینده ساکنان این مرز و بوم (خصوصاً نسل تحصیل کرده و حق پژوه آن) است، نه احیای کینه‌ها و اختلافات فروخته بومی و محلی. از این روی، از آغاز تا پایان کتاب، تلاشمان همه این بوده که جز به قدر و وقت ضرورت، اشارتی به اختلافات داخلی آن روز زنجان نداشته باشیم. همچنان که هرگاه از سر ضرورت، ناگزیر از افشای عیوب برخی گذشتگان شده‌ایم همانجا تأکید کرده‌ایم که وجود این معایب در شخص یا اشخاص مذکور، لزوماً به معنی آلودگی اسلاف یا اخلاف وی نیست (و حتی چه بسا که شخص منحرف نیز خود، پیشتر اهل صلاح بوده و یا بعداً به توبه و اصلاح گراییده باشد). زیرا اگر دقت کنیم در تاریخ، هم پسر نوح پیامبر - علی نبینا و آله و علیه السلام - را داشته‌ایم که «با بدان بنشست و خاندان نبوتش گم شد» و هم آسیه همسر نیک نهاد فرعون را که در کاخ آن بیدادگر، حافظ جان موسی علیه السلام بود و دل با آیین پاک او داشت. محمد بن ابی‌بکر نیز نسب از دیگران داشت، اما حسب به مولای متقیان می‌رساند که جان عالمیان برخی نگاهش باد! فراموش نکنیم که ایزد متعال، بیرون آورنده «حی» از «میت» است و رهنمودش در کتاب شریف خویش به مؤمنان نیز آنکه: «وَلَا تَرْرُ وَاِزْرَةً وِزْرَ اٰخِرٰی». در پایان، چونان همیشه، چشم براه دریافت نظریات اصلاحی و مطالب تکمیلی اهل نظر بوده و تکمیل و تنقیح مندرجات این دفتر را و امدار توجه و عنایت دقیق محققان می‌دانیم.

مالش صیقل نشد آینه را نقص جمال

سرّ خاکستر، صفای صورت مرآت شد (۱)

و من الله التوفیق و علیه التکلان

علی ابوالحسنی (قنادر)

۱. ضمناً تأکید روی کلمات - جز مواردی که استثنا شده - همه جا از ما است.

بخش اول:

در تکاپوی دانش

* از تولد تا تحصیل و ازدواج

* هشدار به طلبة جوان

* بازگشت به زنجان

* چالش با مبلغ بهائی

از تولد تا تحصیل و ازدواج

* تولد و خاندان

ابراهیم سُرخه دیزجی قزلباش، مشهور به شیخ ابراهیم زنجانی و متخلص به «شفایی»، دهم ذی حجه ۱۲۷۲ قمری در سرخه دیزج از توابع زنجان (واقع در سه فرسنگی شمال سلطانیه) به دنیا آمد.^(۱)

پدرش (محمد هادی^(۲)) و دیگر خویشاوندان وی، از خُرده مالکان منطقه بودند و در روستای خود «ریاست و ثروتی» داشتند. مادر ابراهیم، از حیث نسب، بر پدر وی برتری داشت و از اعقاب سران طایفه استاجلوی قزلباش بود که در زمان صفویه در طارم سُکنا گزیده بودند. به همین دلیل نیز وی بعدها نام خانوادگی «قزلباش» را برگزید.^(۳)

* تحصیل و تدریس در زنجان

ابراهیم در ۸ سالگی به مکتب رفت و خواندن و نوشتن فارسی و قرآن و عربی را فراگرفت. ۱۶ ساله بود که قحطی و گرانی مشهور ۱۲۸۸ ق از راه رسید و خانواده وی، همچون بسیاری از مردم، ثروت خویش را از کف داد. شرح مفصلی از این قحطی در خاطرات وی آمده است.^(۴)

۱. برخی از مورخان نظیر معلم حبیب آبادی، ولادت شیخ ابراهیم را سال ۱۲۶۶ ق ضبط کرده‌اند، که درست نیست. تولد زنجانی دقیقاً در سال ۱۲۷۲ ق صورت گرفته و این نکته، هم به صراحت از خاطرات منتشر شده وی به دست می‌آید و هم، خود او در مجلس شورای چهارم تصریح دارد که در عید قربان ۱۲۷۲ ق به دنیا آمده و به همین علت، نامش را ابراهیم نهاده‌اند (ر.ک، مذاکرات مجلس چهارم تقنینیه، مجلس شورای ملی، قسمت اول، ص ۸۸، جلسه ۱۴، ۱۱ ذی حجه ۱۳۳۹ ق).

۲. اسماعیل راثین در فراموشخانه و فراماسونری در ایران (جلد ۱، ص ۶۷۸) به استناد لیست موجود از اسامی اعضای جامع آدمیت، نام پدر زنجانی را «محمد هادی» ذکر کرده است. نیز ر.ک، سخنوران و خطاطان زنجان، کریم نیرومند، ص ۱۴.

۳. زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی؛ جستاری از تاریخ تجددگرایی ایرانی، عبدالله شهبازی، مندرج در: مجله زمانه، سال ۲، ش ۱۰، ص ۱۳.

۴. همان: ص ۱۳.

زمستان ۸۸ پدرش بر اثر صدمات وارده درگذشت و کار سرپرستی فرزندان پرشمار وی به مادر محوّل شد. این زمان، ابراهیم جوانی سست بنیه بود و توان کار سنگین را نداشت. لاجرم در روستای ونونان و سپس یوجی، به کار مکتب داری مشغول شد و در همین زمان بود که به بیوه جوانی از خاندان کهن بیگ های یوجی دل بست و خاطره آن را که به کامیابی پنهان نیز کشید تا پایان عمر از یاد نبرد.^(۱)

اوایل ۱۲۹۲ ق به هیدج رفت و در مدرسه آخوند ملاعلی نزد مدرسان فاضلی چون حاج ملاقربانعلی و حاج میرزا ابوالمکارم هیدجی به تحصیل علوم دینی پرداخت. خود مدعی است هوش و حافظه سرشارش، سبب موفقیت در تحصیل و جلب توجه اساتید و طلاب به او بوده است، و بهر روی این امر، «خودشیفتگی و غروری در او پدید ساخت که تا واپسین روزهای زندگی در نوشته هایش بازتاب داشت».^(۲)

ابراهیم در این دوران، برای فرار از عشق، به ریاضتی سنگین روی آورد^(۳) و دامنه این ریاضت، چنانکه خواهیم دید، تا زمان تحصیلات عالیّه او در نجف نیز کشیده شد. در ۱۲۹۴ به شهر زنجان رفت و در محضر آقا عبدالصمد دیزجی به ادامه تحصیلات دینی پرداخت.^(۴)

* ازدواج نخستین

اوایل ۱۲۹۶ ابراهیم با دختری به نام سکینه ازدواج کرد که همسر اولش محسوب می شود و پس از ۱۸ سال زندگی مشترک با او درگذشت.^(۵) سکینه زنی دیندار، مهربان، قانع و سازگار بود^(۶) و شیخ از وی چند پسر و دختر (حسین، محمد، وحیده، علی، و حسن) آورد که حسین و وحیده و علی در کودکی درگذشتند.^(۷) جالب است بدانیم که فرزندان شیخ از او (به خلاف فرزندان وی از همسر دومش) گرایشهای آشکار دینی داشتند و حتی با پدرشان که در نیمه دوم عمر، از دینداری روی گرداند سرگران بودند. پژوهشگر فقید، حسین ملکی (ح.م. زاوش) ضمن اشاره به عضویت زنجانی در انجمنهای ماسونی^(۸) می نویسد: «نوه های دختری وی در زنجان از فرهنگیان خوشنامی

۱. همان: ص ۱۳.
۲. همان: صص ۱۳-۱۴.
۳. همان: ص ۱۴.
۴. همان: ص ۱۴.
۵. همان: ص ۱۴.
۶. خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، صص ۲۰-۲۱.
۷. همان: صص ۲۲، ۱۰۱، ۱۲۵ و ۱۵۷-۱۵۸.
۸. رابطه فراماسونری با صهیونیسم و امپریالیسم، ۵۶/۱.